

کشف حجاب چگونه رخ داد/ نگاهی به یک واقعه استبدادی و استعماری

واقعه کشف حجاب که به دستور رضاخان انجام شد هم ضربه ای بر پیکر دین مردم بود و هم توهین نسبت به سنتها، آداب و رسوم و شئون يك ملت بزرگ و کهن به شمار مي‌رفت.



واقعه کشف حجاب که به دستور رضاخان انجام شد هم ضربه ای بر پیکر دین مردم بود و هم توهین نسبت به سنتها، آداب و رسوم و شئون يك ملت بزرگ و کهن به شمار مي‌رفت. به گزارش خبرگزاری مهر، فلسفه حجاب حفظ کرامت و ارزشهاي والاي انساني است که بر مبناي قرآن و احاديث استوار است. اندیشمندان اسلامي که موضوع حجاب را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که پذیرش حجاب نه تنها به معنای کناره‌گیری از کار و قبول خانه‌نشینی نیست، بلکه توأم با خدمات اجتماعي و سياسي زن و نیز رعایت کليهي حقوق قانوني و شناخته شده اوست.

در کل، تهاجم به ارزشهاي ديني و سنتي ايران همواره يکي از هدفهاي مهم و اساسي استعمارگران غرب در قرن حاضر بوده است. پس از وقوع جنگ بين‌المللي اول و سقوط حکومت تزارها در روسيه استعمار انگلستان در ايران از موقعيت برتري برخوردار شد و فرصتي به دست آورد تا به آرزوها و آرمانهاي ديرينه خويش جامه عمل بپوشاند و ايران را كاملا تحت نفوذ خود درآورد. انگليسي‌ها تصميم داشتند با انعقاد يك قرارداد مشترك فرهنگي، اقتصادي و نظامي با ايران، تركيه، افغانستان و عراق فرهنگ غربي را در اين كشورها رواج دهند و بر قدرت استعماري خود بيفزايند تا از اين طريق از رشد و نفوذ دولت جديد التأسيس شوروي ممانعت به عمل آورند. در واقع، انتخاب رضاخان به سلطنت نیز در همین راستا قرار داشت زیرا او نسبت به ارزشهاي جامعه‌ي اسلامي ايران، در مقايسه با همرديفان خود، بي‌اعتنا تر بود.

حکومت پهلوي از ابتدای تشکیل خود موظف بود دو هدف اساسي را تعقيب کند: جدا ساختن دین از صحنه‌ي زندگي اجتماعي و مبارزه با روحانيت. رضاشاه استراتژي اسلام‌زدایی انگلستان در ايران را به طرز پیچیده و زمان‌بندي شده به مرحله‌ي اجرا درآورد. او در مسیر تحقق سياستهاي استعماري و تشديد روند وابستگي بين‌المللي که نظام سنتي جامعه‌ي ايران بزرگترين مانع در برابر آن بود به تظاهرات نوگرایی روي آورد و در این راستا منصبه‌اي اصلي و مسئوليتهاي حساس را به افرادي نظیر داور، تیمورتاش، حکمت و نصرالدوله واگذار کرد که ترک فرهنگ سنتي و اخذ فرهنگ غربي را مهم‌ترین راه پیشرفت مي‌دانستند.

شایان ذکر است که سياست مذهب زدایی، با توجه به اینکه تفکرات ديني و مذهبي و عرف و سنتهاي ملي در میان ایرانیان ریشه‌اي عمیق داشت، با مشکلاتي عديده از جمله مقاومت شديد مردم مواجه شد. دست‌اندرکاران حکومت پهلوي از طريق رواج اندیشه‌ي جدایی دين از حکومت (سکولاریسم) و تحقیر نمادهای ديني و سنتهاي ملي تهاجم به مذهب را آغاز کردند. آنها براي اعمال این سياست از ابزاري چون نظام آموزشی، کتاب و نشریات استفاده کردند. اقدامات متعدد فرهنگي طی سالهاي حکومت رضاشاه انجام گرفت که درکلیه آنها بر ترك سنتها و پذیرش مظاهر تمدن غربي تأکید شده بود.

در میان تحولات فرهنگي این دوره تغییر لباس سنتي و قضیه‌ي کشف حجاب بیش از دیگر موارد مورد توجه واقع شده است. سفر رضاشاه به ترکیه در 1313 نقطه عطفی در تثبیت باورهاي قبلي او مبني بر لزوم کشف حجاب بود. این سفر اثر عميقي بر نگرش او نسبت به ميزان به اصطلاح «عقب‌ماندگی» ایرانیان نسبت به ترکها داشت. به همین دلیل، در فاصله‌ي 14 – 1313 اقدامات وسیع تبلیغاتي به منظور آماده ساختن افکار عمومي براي کشف حجاب انجام گرفت.

جشنها و مجالس سخنراني متعددي در این زمینه در پایتخت و دیگر شهرها برپا شد. کانون بانوان نیز در اردیبهشت 1314 تحت نظارت وزارت معارف و به ریاست شمس پهلوي تأسیس شد. در این کانون، اشخاصی نظیر صديقه دولت‌آبادي، فاطمه سیاح، بدرالملوک بامداد، هاجر تربیت، فخرالزمان غفاري بایندر و پري حسام شهیدی فعالیت داشتند. این کانون موظف بود که مجالس مختلف سخنراني برگزار کرده و از اشخاص معروف دعوت نماید تا براي حضار راجع به مقام زن و مرد سخنراني کنند. در تعقیب این سياست به وزارت معارف دستور داده شد که در مدارس کشور مجالس جشن و سرور و خطابه با روي باز و بدون حجاب برگزار شود و نیز تصميم گرفته شد مدارس ابتدایی تا سال چهارم به صورت مختلط توسط زنان اداره گردد. در نشریات نیز مقالاتي من‌باب پند و اندرز و انتقاد از حجاب به چاپ رسید. اما این قبیل اقدامات و برنامه‌ها پیشرفت چنداني نداشت و اکثریت مردم نه تنها استقبالي از آن به عمل نیاورند، بلکه با دیدهي تحقیر به آن نگرستند.

سرانجام ، فرمان کشف حجاب به صورت رسمي در 17 دي 1314 صادر شد. در این روز، جشنی از طرف علي اصغر حکمت که خود نقش فعال و مؤثري در این ماجرا داشت، در دانشسرای مقدماتي و درحضور رضاشاه برپا شد. در این جشن همسر و دختران او و جمعي از همسران وزیران و وکیلان بدون حجاب شرکت داشتند. در این جشن، شاه طی نطقي همهي زنان را به عدم استفاده از حجاب تشویق نمود و اعلام کرد که تاکنون نیمی از جمعیت کشور به حساب نمی‌آمدند، زیرا در پرده به سر می‌بردند. او همچنین افزود که نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست و زن روحاً و اخلاقاً می‌بایست عقیف باشد. از این تاریخ به بعد، استفاده از چادر یا هر سرپوشي، بجز کلاه هاي اروپايي، ممنوع اعلام شد. زنان محبجه حق ورود به خیابانها یا استفاده از وسایط نقلیه را نداشتند. کسبه نیز مجاز به فروش اجناس به زنان با حجاب نبودند.

تصویب و ابلاغ قانون کشف حجاب اعتراضات علما و روحانیون و مخالفتهاي گسترده‌ي مردمی را نیز در سراسر کشور و در شهرهايي نظیر قم، اصفهان و شیراز در پی داشت که مهم‌ترین نمونه آن قیام بزرگ مسجد گوهر شاد مشهد بود. اگر چه با انتشار خبر قیام گوهرشاد، مقدمات اعتراض اجتماعي وسیعي فراهم شد، اما فقدان رهبري منسجم و خشونت شديد حکومت از جمله عواملی به شمار می‌آیند که نه تنها این اعتراضات را ناکام گذاشتند بلکه رضاخان را نیز مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب نمودند. با این حال قیام گوهرشاد که يك سال پس از بازگشت رضاخان از سفر به ترکیه و مشاهدات وي در مورد بی‌بند و باري و بی‌حجابي زنان ترکیه به وقوع پیوسته بود، از یکسو حکایت از تأثیر بی‌چون و چرای رضاخان از فرهنگ غربي داشت و از سوي دیگر از تعارض این فرهنگ با فرهنگ اسلامي جامعه ايران و عدم پذیرش موازین غیر شرعي توسط مردم نیز خبر می‌داد.

امام خميني به عنوان رهبر انقلاب اسلامي که در 1299 کودتاي رضاخان را محکوم کرده بود و در برابر سياستهاي ضد ديني پهلوي اول همچون کشف حجاب، جدایی دين از سياست، رواج فرهنگ اروپايي در ايران، اهانت به روحانيت و ... نیز موضع‌گيري نموده بود؛ این مسئله را چنین شرح می‌دهند: «در رژیم طاغوتي پهلوي آن ظلمي که به بانواني که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل

کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است ذي خودشان را قرار دهند، در آن زمان رضا شاه به وضعي و در زمان محمدرضا به وضع ديگر. و بحمدالله بانوان ايران مقاومت کردند و جز يك دسته‌اي که جزء دار و دسته خود آنها بودند و غریزه بودند و با رژیم او مناسب بودند، ساير خواهرها مقاومت کردند. بنابراین اسلام در ايران زنده شد، آن خدمتي که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه‌اي است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولي که در ايران واقع شده بود، بعد از چند سال ديگر اثري از اخلاق اسلامي در ايران نبود.»